

عنوان مقاله:

مرگ اندیشی و معنای زندگی در هایدگر

محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 15، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

علی عسگری یزدی - دانشیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مسعود میرزایی - دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام؛ دانشگاه تهران، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

مرگ اندیشی در نگاه هایدگر و تاثیر آن بر معنای زندگی ناشی از رابطه انسان با هستی و هستی معطوف به مرگ اوست. هایدگر مرگ اندیشی را مختص دازاین اصیل دانسته و زندگی اصیل را معنادار می داند. او اندیشه مرگ را نیرویی برای گسست از پوچی روزمرگی و معناداری زندگی به شمار می آورد. در مواجهه با نیستی و تکاپو در میدان مرگ آگاهی دازاین قادر به کسب بصیرت نسبت به واقعیت جهان، آزادی و اصالت بخشیدن به زندگی خود و به تبع معنا و جهت دادن به زندگی است. حفظ هویت فردی، کشف امکانات وجودی دازاین در این دنیا، انتخاب آگاهانه و زندگی متفکرانه و مسئولیت در برابر خود و دیگران از پیامدهای زندگی اصیل و معنادار است. دیدگاه هایدگر در زمینه معنای زندگی دیدگاهی طبیعت باور بود. به نظر هایدگر، معیار بیرونی برای عمل انسانی وجود ندارد و انسان خود آفریننده ارزش هاست. اصالت و ارزشمند بودن در گرو انتخاب و تعیین نشدن توسط معیارهای بیرونی و دیگران است. به نظر وی آنچه مهم است، در راه بودن است، حتی اگر هدفی به عنوان هدف نهایی وجود نداشته باشد. از دیدگاه هایدگر زندگی معنادار لازمه هستی اصیل است که در آن انسان به دلیل ترس از مرگ و برای رهایی از دلهره ناشی از ترس از مرگ، به زندگی معنا می بخشد.

کلمات کلیدی:

ترس آگاهی، دازاین، مرگ آگاهی، معنای زندگی، هایدگر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526187>

